

هجرت امر منظر قرآن و سنت

مجموعه آثار ماموستا کریکار
رساله شماره ۱

اثر:

ماموستا کریکار حفظه الله

ترجمه :

کانال رسمی ماموستا کریکار حفظه الله



@m_krekar

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الرب العالمين و الصلاة و السلام على رسوله الامين محمد و على آله و صحبه اجمعين . ربنا اغفر لنا
ولاخواننا الذين سبقونا بالايمان ولا تجعل في قلوبنا غلا للذين آمنوا ربنا انك رؤوف رحيم .

السلام عليكم و رحمه الله وبركاته

امروز 19/12/2009 به یادآوری مختصری از بحث هجرت و مهجر خواهم پرداخت. بحث در خصوص "هجرت" نباید فقط به یادآوری در خصوص اول محرم هر سال قمری یا داستان هجرت پیامبر با ابوبکر صدیق ختم گردد، بلکه بایستی درس‌هایی که از هجرت گرفته می‌شود را به همراه تأصیلی شرعی برگرفته از قرآن و سنت در نظر گرفت. هجرت ازیدی به نیکی و از کفر و شرک به اسلام و ایمان هرگز خاتمه نیافته است و بلکه تا قیامت ادامه خواهد داشت. دراین رساله به صورت مختصر به بحث هجرت بر اساس آیات قرآن کریم، احادیث پیامبر اسلام و اقوال علما پرداخته خواهد شد.

هجرت از دیدگاه قرآن

با استناد به آیهی (الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ) (انفال- 72 و توبه- 20) هجرت رکن دوم تشکیل امت اسلامی است. امت اسلامی در آن زمان قصد داشت کسانی را پرورده کند تا از فرهنگ و آداب و رسوم اجتماعی خود و نیز از مال و منال خود دست بکشند و برای هجرت به امت اسلامی بپیوندند و آن همه شرایط سخت را به جان بخرند، بسی جای تعجب است! اما برای چه؟ چرا آنها اینگونه همه چیز را تمام و کمال کنار گذاشتند؟ چگونه توانستند چنین کاری بزرگ را به سرانجام برسانند؟ قطعاً تربیتی قرآنی که پیامبر اسلام اصحاب بزرگوار خود را بر آن پرورش داد و توانست دل و درون آنان را از هرچه غیر از الله سبحانه و تعالی است پاک و مبرا گرداند. ابتدا به هجرت از منظر قرآن می‌پردازیم:

معانی هجرت در قرآن

هجرت به معنای نقل مکان کردن است که دو نوع است:

الف- تغییر حال و هوای درونی انسان (به لحاظ معنوی یعنی تغییر باورهای قدیمی و جاهلی و ترک فرهنگ و آداب قبلی فرد مسلمان و پذیرفتن آداب و فرهنگ اسلامی و ایمان به یگانگی خداوند)

ب- تغییر در حال و هوای جسم انسان (همان نقل مکان کردن از سرزمین کفار به سرزمین مسلمانان)

خداوند به پیامبر می‌فرماید: (وَالْجَزَّ فَاهْجَرِ) (مذثر، 4) یعنی، و از چیزهای کثیف و پلید دوری کن. بدین معنی است که باید از شرک و موحبات عذاب دوری کرد، و باید که پاک بود و پاک زیست. چراکه شرک و ناپاکی با یگانه پرستی و پاکی سازگار نیستند و دو راه خدا از همدیگرند و هرگز به یکدیگر نمی‌رسند و میانشان صلح و آشتی صورت نمی‌گیرد.

همچنین خداوند می‌فرماید: (وَاصِرٍ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجَرُهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا) (مزمّل، 10) یعنی، در برابر چیزهایی که می‌گویند شکیبائی کن، و به گونه‌ی پسندیده از ایشان دوری کن.

در زمان پیامبر (ص) یک اعرابی از ایشان پرسیدند، هجرت به چه معناست؟ آیا اینکه به سوی شما بیایم و با شما بیایم هجرت کرده ایم؟ پس اگر روزی شما نبودید پس هجرت چه معنایی دارد؟ پیامبر (ص) فرمودند: هجرت به معنای آن است که شخصی از بدیها، اخلاق بد، گناهان، رفتار و کردار زشت به سوی خوبیها و پاکيها بیاید.

مردی از پیامبر پرسیدند: کدام هجرت از همه‌ی هجرت‌ها بالاتر است؟

پیامبر (ص) فرمودند: هجرت آن است که از آن چیزی که خداوند آن را دوست ندارد دور شوی و به سوی پاکی بیایی، که آن هم دو نوع است:

الف- هجرت از روستا

ب- هجرت از شهر (بزرگتر و سنگین تر است)

به این دلیل هجرت از شهر والاتر است که در شهر انسان بیشتر از یاد خدا غافل می‌شود و اسباب بیشتری وجود دارند که مانع از آن می‌شوند که انسان از ناپاکی‌ها و گناهان به سوی خوبیها و پاکی هجرت کند.

امام رازی در مورد هجرت می‌فرماید: هجرت آن است که فردی از دارالکفر به دارالاسلام مهاجرت کند. گاهی اوقات نیز به ترک افعال کفرآمیز و شرک آمیز و گناه و انجام افعال ایمانی نیز هجرت گفته می‌شود. برای مثال می‌توان به مهاجرت ازبک‌ها و تاجیک‌ها به طالبان اشاره کرد که از دارالکفر به دارالاسلام هجرت کردند. از طرفی امام رازی می‌فرماید که آن هجرتی از سوی خداوند پذیرفته است که خالصاً و برای خداوند و با نیت قبلی باشد نه برای اینکه برای اعمال دنیوی از سرزمین کفر به سرزمین اسلامی مهاجرت کنند (که در این صورت هجرن نخواهد بود).

در حدیثی که امام آلبانی آن را تخریج کرده است: "قال رجل يا رسول الله ما الإسلام قال أن يسلم لله قلبك وأن يسلم المسلمون من لسانك ويدك قال فأبي الإسلام أفضل قال الإيمان قال وما الإيمان قال أن تؤمن بالله وملائكته وكتبه ورسله والبعث بعد الموت قال فأبي الإيمان أفضل قال الهجرة قال وما الهجرة قال أن تهجر السوء قال فأبي الهجرة أفضل قال الجهاد قال وما الجهاد قال أن تقاتل الكفار إذا لقيتهم قال فأبي الجهاد أفضل قال من عقر جواده وأهريق دمه قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ثم عملان هما أفضل الأعمال إلا من عمل عملاً مثلهما حجة مبرورة أو عمرة مبرورة "

مردی از پیامبر (ص) پرسیدند که اسلام چیست؟ اسلام آن است که دل و درونت خالصانه برای خداوند باشد و نیز مسلمانان از دست و زبان تو در امان باشند. سپس آن شخص دوباره پرسید: چه شیوه‌ای از اسلام از بقیه والاتر است؟ پیامبر (ص) فرمودند: مومن بودن. سپس شخص پرسید: مومن کیست و ایمان دار بودن چیست؟ پیامبر (ص) فرمودند: باور به خداوند، فرشتگان، کتب آسمانی، پیغمبران و زنده شدن در قیامت. سپس آن شخص پرسید: پس در میان انواع ایمان کدام یک والاتر از بقیه است؟ پیامبر (ص) فرمودند: هجرت به خاطر خداوند. آن شخص دوباره پرسید: خداوند کدام نوع هجرت را بیشتر می‌پذیرد؟ پیامبر (ص) فرمودند: اینکه از بدیها و گناهانت دست بکشی. آن شخص مجدداً پرسید: کدام نوع هجرت از بقیه والاتر است؟ پیامبر (ص) فرمودند: هجرت برای جهاد کردن. آن شخص پرسید: جهاد چیست؟ پیامبر (ص) فرمودند: جهاد آن است که کافرانی که علیه مسلمانان هستند به قتل برسانی. آن شخص پرسید: کدام نوع جهاد از بقیه والاتر است؟ پیامبر (ص) فرمودند: آن کسی که هم خودش و هم اسبش در راه خدا کشته شده اند. سپس پیامبر (ص) در ادامه فرمودند فقط دو عمل دیگر هستند که از بهترین اعمالند: حجتی که تمام ارکان آن رعایت شده باشد و مایه‌ی پاکی فرد از تمام ناپاکی‌ها شود و یا حج عمره‌ای که خالصانه به خاطر خداوند بوده باشد.

نکته‌ای که باید به آن توجه داشت و در زمان هجرت پیامبر (ص) نیز بسیار مهم بوده است، اراده‌ی خود فرد برای تزکیه نفس و هجرت از ناپاکیها به سوی پاکیزه‌است، صبر گرفتن در ادامه‌ی این راه است، خود را شستن از آداب و فرهنگ جاهلیتی (با اراده‌ی خود و با صبوری) است که از گذشتگان و نیز از محیط پیرامون به ما می‌رسد. خداوند در قرآن می‌فرماید: (إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ) (رعد، 11)، یعنی، خداوند حال و وضع هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی‌دهد (و ایشان را از بدبختی به خوشبختی، از نادانی به دانایی، از ذلت به عزت، از نوکری به سروری، و ... و بالعکس نمی‌کشد) مگر این که آنان به اراده‌ی خود احوال خود را تغییر دهند.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: (أَكَلِ الرَّبَا وَمَوْلَهُ وَكَاتِبَهُ وَشَاهِدَاهُ إِذَا عَلِمُوا بِهِ، وَالْوَاشِمَةَ وَالْمُسْتَوْشِمَةَ لِلْحُسْنِ، وَلَاوِي الصَّدَقَةِ، وَالْمُرْتَدَّ أَغْرَابِيًّا بَعْدَ هِجْرَتِهِ: مَلْعُونُونَ عَلَى لِسَانِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ) مسند احمد/تحقیق احمد شاکر (ب5 ژماره/3881، 4090) سنن النسائی/کتاب

الزينة/ 25، سنن البيهقي 9/19.

- ۱ - هر کسی که ربا می‌خورد و آنکس که وکالت آن را برعهده می‌گیرد و نیز آنکه معامله‌ی آن را می‌نویسد، اگر به حرام بودن آن پی ببرند.
- ۲ - شخصی که بر بدن خود خالکوبی می‌کند و آنکس که عمل خالکوبی را انجام می‌دهد.
- ۳ - هر کس راه خیر و خوبی را بر دیگران ببندد.
- ۴ - آنکس که پس از هجرت کردن از دارالکفر به دارالاسلام (هم درونی و هم جسمی) دوباره به فرهنگ و آداب جاهلیتی خود بازگردد، این چهار کس همه از رحمت خداوند به دورند و پیامبر همه‌ی آنان را لعن و نفرین کرده‌اند.

خداوند در قرآن می فرماید: (إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نَكْفُرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ ، وَنُدْخِلُكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا) (النساء، 31) یعنی، اگر از گناهان کبیره‌ای پرهیزید که از آن نهی شده‌اید، گناهان صغیره شما را (با فضل و رحمت خود) از شما می‌زداییم و (به شرط استغفار از کبائر و عدم اصرار بر صغائر) شما را به جایگاه بزرگوارانه‌ای (که بهشت برین است) وارد می‌گردانیم.

در هجرت کردن دو نکته وجود دارد:

۱- رهایی مسلمانان از فقر و تنگ‌دستی

۲- رهایی آنان از دو دلی و شک و تردید و ناامنی.

خداوند در قرآن می فرماید: (وَمَنْ يُّهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَافَعًا كَثِيرًا وَسَعَةً) (النساء، 100) یعنی، کسی که در راه خدا هجرت کند، سرزمینهای فراخ و آزادی فراوانی میبندد که بینی دشمنان را به خاک مذلت میمالد، و گشایش و آسایش خواهد یافت. این ضعف و آز و بخل انسان است که بدو چنین تلقین میکند که وسائل زندگی و روزی، در گرو فلان زمین و مقید به چنان شرائط و ظروف و مرتبط بدان عوامل و موجباتی است که اگر از آنها دست بکشد و دوری گزیند، راهی برای زندگانی کردن نمییابد و دنیای او به آخر میرسد!

این اندیشه دروغین درباره حقیقت اسباب روزی و وسائل زندگی و نجات است که مردمان را بر آن میدارد پستی و ستم را بپذیرند، و در برابر برگرداندن از دین سکوت اختیار کنند. بعدها هم به چنان سرنوشت و سرانجام بد و نامور گرفتار می‌آیند.

هدف از این هجرت کردن، یافتن مکانی است که در آنجا بتوان زندگی و امرار معاش کرد، بتوان پناهگاه و خانه‌ای ساخت تا در کمال امنیت و آرامش و در زیر سایه قدرت خداوندی زندگی کرد، این هجرت رفتن به میان مردمانی است همه از جنس پاکی و دلسوزی اند. در نهایت پس از مهاجرت به چنین مکانی و با چنین فکری دو چیز را می‌توان بدست آورد:

الف- تسلط و چیرگی کامل بر سرزمین خود

ب- رزق و روزی حلال و پاک

خداوند در جای دیگری از قرآن در مورد هجرت می فرماید: (وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنبُوئْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَاجِرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ) (نحل، 41) یعنی، کسانی که برای خدا (به مدینه) هجرت کردند، پس از آن که (در مکه) مورد ظلم و ستم قرار گرفتند، در این دنیا جایگاه و پایگاه خوبی بدانان می‌دهیم، و پاداش اخروی (ایشان از پاداش دنیوی آنان) بزرگتر است اگر بدانند.

سپس خداوند در مورد کسانی که قصد هجرت کردن برای او را ندارند چنین می فرماید: (إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا) (النساء، 97) یعنی، بی گمان کسانی که فرشتگان (برای قبض روح در واپسین لحظات زندگی) به سراغشان می روند و (میپندد که به سبب ماندن با کفار در کفرستان و هجرت نکردن به سرزمین ایمان) بر خود ستم کرده‌اند، بدیشان می گویند: کجا بودهاید و به چه سرگرم بودهاید (که اینک چنین بیدین و توشه مردهاید و بدبخت شده‌اید؟ عذرخواهان) گویند: ما بیچارگانی در سرزمین (کفر) بودیم (و چنانکه باید به انجام دستورات دین نرسیدیم! فرشتگان بدیشان) گویند: مگر زمین خدا وسیع نبود تا در آن (بتوانید بار سفر بربندید و به جای دیگری) کوچ کنید؟ آنان جایگاهشان دوزخ است و چه بد جایگاهی و چه بد سرانجامی!

با نگاهی به تاریخ اسلام می‌بینیم که هجرت کردن تأثیر بسزایی در شوکت گرفتن مسلمانان داشته است، کسانی که همراه صلاح الدین ایوبی از موصل به حلب و شمال بغداد هجرت کردند، توانستند بعداً صلیبی‌ها را شکست دهند. همچنین کسانی که به مغرب هجرت کردند بعدها توانستند مرابطون را تشکیل داده و تمامی شمال آفریقا را زیر حرکت خود آوردند.

بنابراین یکی از حکمت‌های هجرت، هم‌افزایی قدرت مسلمانان برای رسیدن به اهداف مقدس است و دومین حکمت هم پاک گرداندن نفس و درون انسان از بدی و آراستگی با خصایص نیکو است.

بر مسلمان واجب است این چنین درکی از اسلام و سنت داشته باشد. به همین خاطر است که سیدقطب از فقه اوراق و فقه حرکت نام می‌برد. شرع شناسی که از درون جنبش و حرکت جامعه رشد یافته است، قطعاً با فقهی که مسائل را فقط در کتب و رساله‌ها پیگیری کرده، متمایز است.

به امید خداوند اهل اسلام بازهم از نو، به زنده گرداندن هجرت و دارالهجری خواهند پرداخت و در مقابل واقع جاهلی، حاکمان طاغوت و دشمنان صلیبی تسلیم نخواهند شد.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته.